

مبحث نخست- سازکارهای حمایت از حقوق بشر از طریق قانونگذاری مقدمه

هدف از تاسیس سازمان ملل متحد، ایجاد سازوکارها مطمئن، پایدار و استوار به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بوده است به همین منظور منشور سازمان ملل متحد اصول اساسی زیر را مدنظر قرار داد: اصل برابری تمام دولت‌ها، الزام به انتخاب شیوه‌های مسالمت‌آمیز برای حل اختلافات، اجتناب از توسل به زور، تکلیف دولت‌ها به تشریک مساعی برای ارتقا سطح زندگی مردم و ارتقا و احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان. به همین جهت یکی از وظایف بسیار مهم این سازمان جدید جهانی که در سال 1945 به وسیله مردم ملل متحد ایجاد شده، ارتقا و احترام نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض در نژاد، جنس، زبان و یا مذهب بوده است از همین رو این سازمان به منظور تأمین این هدف قوانین متعدد را وضع و به اجرا گذاشته است که ذیلاً به آن بصورت مختصر پرداخته می‌شود¹.

گفتار اول- منشور سازمان ملل متحد

در واقع حقوق بشر سر رشته مستقیم و بحث‌قابل توجه منشور سازمان ملل متحد است. در مقدمه منشور، ملل متحد اعتقاد راسخ خویش به اصول اساسی حقوق بشر و کرامت و شرافت شخصیت انسانی و برابری حقوق زن و مرد را اعلام می‌کند. در بند 3 ماده 1 بر حصول همکاری بین‌المللی در حل مسایل بین‌المللی که جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا بشر دوستی هستند به منظور پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب تأکید می‌کند. در بند ب ماده 13 منشور آمده است: «ترویج همکاری بین‌المللی در رشته‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب» که البته این

¹ ذکریان، دکتر مهدی، پیشین، ص 95.

امر از جمله وظایف مجمع عمومی برای انجام مطالعه و صدور توصیه هایی در زمینه های فوق است.

در بند ج م 55 منشور ضرورت همکاری های اقتصادی و اجتماعی بین المللی به منظور ارتقا حقوق بشر مورد توجه واقع شده و ماده 56 ضمانت اجرایی احترام به این اصول را با صراحت کامل اعلام می دارد: «کلیه اعضا متعهد میشوند که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده 55 در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته جمعی معمول دارند.» همچنین شورای اقتصادی و اجتماعی را به توصیه های در رابطه با تضمین حقوق بشر دعوت میکند. در این زمینه بند 2 ماده 62 منشور می گوید: شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند به منظور تشویق احترام واقعی به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه توصیه های بنماید.» و در همین زمینه شورای اقتصادی و اجتماعی پیرو ماده 68 وظیفه زیر را به عهده دارد: «شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیون هایی برای مسایل اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق بشر، همچنین هرگونه کمیسیون های دیگری که برای اجرای وظایفش ضروری باشد تاسیس می کند.» و نهایتاً در بند ج ماده 76 هدف از نظام قیومیت، تشویق احترام به حقوق بشر بر شمرده می شود: «هدف های اساسی نظام قیومیت بر طبق مقاصد ملل متحد به شرح مندرج در ماده یک این منشور عبارت است از: «...ج- تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس؛ زبان یا مذهب و تشویق شناسایی این معنی که ملل جهان به یکدیگر نیازمند هستند.»

بنابر این منشور سازمان ملل متحد ضمن توصیه و تشویق ملل متحد در احترام به حقوق بشر، دولت های عضو را متعهد به همکاری در زمینه حقوق بشر می نماید و مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی را به فعالیت در زمینه ترویج حقوق بشر تشویق می کند². بنابر این، مطابق منشور سازمان ملل، اهداف ملل متحد در ویژگی های زیر خلاصه میشود:

- حفظ صلح و امنیت بین المللی

- توسعه اقتصادی و اجتماعی

- حمایت و ارتقا حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان بدون توجه به نژاد، جنس، زبان یا مذهب. از آنجا ویژگی های ارابه شده فوق در ارتباط متقابل با یکدیگرند و نقض هر یک موجب کاستی و سستی در ویژگی دیگر می شود، بنابر این، حقوق بشر با حق توسعه و صلح و امنیت در ارتباط بوده و تلاش در ارتقا حقوق بشر موجب دست یابی به صلح دایم و توسعه پایدار می گردد.

گفتار دوم- اعلامیه جهانی حقوق بشر

به همین منظور در پیروی از منشور سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر- که تنها کمیسیونی است که در منشور از آن نام برده شده است- در سال 1946 تشکیل و مامور تدوین منشور جهانی حقوق بشر گردید. نتیجه فعالیت کمیسیون، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی در 10 دسامبر 1948 است که به عنوان انجیل ملل متحد و قانون اساسی حقوق بشر ملل متحد هم اکنون دارای اعتبار است. بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر کنوانسیون ها و میثاق های حقوق بشری دیگری پدید آمده اند و یکسری سازوکار های اجرایی برای حمایت جهانی از حقوق بشر پیش بینی شده اند. بنابر این، سازمان ملل متحد- با اتکا به منشور، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون ها و میثاق ها و قطعنامه های سازمان ملل- به عنوان عامل اجرایی و ناظر بر اجرای حقوق بشر در هزاره جدید از نقش قابل توجهی در حمایت جهانی از حقوق بشر برخوردار شده است. حقوق که در اعلامیه مورد توجه قرار گرفته اند عبارتند از: حق حیات، آزادی، امنیت شخصی، حق آموزش، آزادی اندیشه، وجدان و مذهب، حق آزادی بیان، حق کار، پناهندگی، حق فارغ بودن از ترس و نیاز وعدم شکنجه و بردگی³.

الف- محور های اساسی اعلامیه جهانی حقوق بشر

با توجه به حقوق اشاره شده فوق، اعلامیه حقوق بشر سه مقوله از حقوق را مورد توجه قرار داده است:

³ Nations unies, les nation unies et les droits de l homme 1945-1995, op. cit. , pp.26-27.

1. حقوق مدنی و سیاسی

2. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

3. مسولیت اشخاص انسانی در برابر جامعه دموکراتیک

بنابر این اعلامیه جهانی حقوق بشر بر ابعاد حقوق، وظایف، تکالیف و مسولیت ها تاکید ورزیده است متن اعلامیه جهانی حقوق بشر در بخش ضمایم به پیوست آمده است⁴. صرف نظر از این که اعلامیه جهانی حقوق بشر (به گمان برخی) فاقد ضمانت اجرایی است و از آنجا که در برگیرنده کلیاتی است که محتاج تبیین و تفسیر بیشتری می باشد، بنابر این کمیسیون حقوق بشر تلاش به عمل می آورد تا میثاق هایی را تدوین نماید که این معایب را تا حد امکان بر طرف سازد. در این رابطه یک طرح پیشنهادی در باره میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و طرح دیگری در باره میثاق حقوق مدنی و سیاسی تهیه و جهت تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه شد. لذا یکی از مهمترین وظایف کمیسیون فراهم کردن میثاق ها بوده است که بیست سال اول فعالیت آن، صرف تهیه و تدوین دو میثاق شد.

در راستای اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعقیب و توصیه شورای اقتصادی و اجتماعی، سرانجام، میثاق های حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دو پروتکل اختیاری الحاقی به آن از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در 16 دسامبر 1966 به تصویب رسید و برای امضای کشور ها گشوده شد. این میثاق ها در مقایسه با اعلامیه جهانی حقوق بشر از یک اعتبار حقوقی موثرتر و سازوکار اجرایی قویتر در حمایت از حقوق بشر برخوردار اند. میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای یک مقدمه و 31 ماده، حقوق زیر را به رسمیت می شناسد: حق کار، حق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، حق تشکیل و الحاق به اتحادیه کارگری، حق تامین اجتماعی از جمله حق بیمه اجتماعی، حمایت از خانواده، برخورداری از یک زندگی در سطح متناسب، برخورداری از سطح متناسبی از بهداشت جسمی و روانی؛ حق آموزش برای همه و حق شرکت در زندگی فرهنگی. و تا کنون 145 کشور این میثاق را

⁴ عبادی، شیرین، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، تهران انتشارات روشنگران، 1373، ص 21.

تصویب نموده اند. میثاق حقوق مدنی و سیاسی به شرح زیر است:

حق حیات و ممنوعیت خود سلب خودسرانه و بدون مجوز زندگی افراد در این رابطه، مجازات اعدام صریحاً لغو نشده، ولی جهت گیری میثاق به سوی لغو مجازات مزبور است و تصریح شده در کشورهای که هنوز مجازات اعدام لغو نشده باید حکم اعدام منحصراً برای جرایم خیلی سنگین و شدید صادر شود ممنوعیت شکنجه و مجازات یا رفتار ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر کننده، ممنوعیت بردگی و خرید و فروش برده، حق آزادی و امنیت شخصی، حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزاد محل سکونت، عدم دخالت در زندگی خصوصی و خانوادگی افراد و عدم تعرض به حیثیت و شرافت انسان، حق آزادی فکر، عقیده و مذهب، حق آزادی ابراز عقیده و مذهب، حق تشکیل مجامع مسالمت آمیز و ورود در آنها، حق تشکیل اتحادیه های صنفی، حق نکاح و تشکیل خانواده و تساوی زن و مرد در حقوق و مسولیت ها در دوران زوجیت و هنگام انحلال آن، حق شرکت در اداره امور عمومی کشور و انتخابات، تساوی در برابر قانون، حق بهره مندی اقلیت ها از فرهنگ و زبان خاص خود و جا آوردن مراسم و اعمال دینی خویش از زمره مهمترین حقوق ماهوی هستند. تا کنون 148 کشور میثاق حقوق مدنی و سیاسی را تصویب نموده اند. هر دو ميثاق اشاره شده، پس از تصویب سی و پنجمین کشور به مرحله اجرا در می آیند. به همین دلیل، هر دو میثاق فوق، نخستین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی دارای یک مقدمه و 14 ماده نیز به تصویب مجمع عمومی رسید و این امکان را برای افراد فراهم آورد تا هنگام نقض هر یک از مفاد میثاق حقوق مدنی و سیاسی از سوی دولت های متبوع شان، به کمیته حقوق بشر شکایت کنند. تا کنون 101 کشور، نخستین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را تصویب کرده اند. دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در 15 دسامبر 1989 با قطعنامه 44/128 مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و ناظر بر الغای مجازات مرگ بوده است این پروتکل دارای 11 ماده است و با تصویب دهمین کشور به مرحله اجرا در می آید. به همین دلیل دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی با تصویب دهمین کشور در 11 ژوئیه 1991 قدرت اجرایی خود را پیدا نمود. تا کنون 46 کشور دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی

و سیاسی را تصویب نموده اند. در ادبیات حقوق بشر به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، منشور حقوق بشر گفته میشود.

ب- مشکلات تیوریک توافق بر اعلامیه حقوق بشر

لازم می دانم در این جا در زمینه ای اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا تاریخچه آن را که نشان می دهد توافق بر سر اعلامیه حقوق بشر چه مشکلات تیوریک داشته در اینجا نقل کنم: "توافق بر سر مواد اعلامیه حقوق بشر موضوع بسیار دیریابی بود. نمایندگان دولتهایی که می بایست این موارد را تصویب کنند به فرهنگ ها و سیستمهای ارزشی متفاوت تعلق داشتند و بر سر بسیاری از مفاهیم و واژگان اختلاف نظر وجود داشت. برای ارایه تصویری از آن وضعیت دشوار آوردن گزارش زیرا در اینجا لازم می دانم."

" به هنگام شروع نظر خواهی ها کمیسیون حقوق بشر تفاوتهای اساسی با روشنی فزاینده ای آشکار شدند. یکی از پایدارترین مسایل این بود که حقوق بشر را باید بر چه مبنایی اعلام کرد؟ مفاهیم غربی حقوقی ذاتی شخص انسان زاده سنت حقوق طبیعی هستند که بر مبنای آن انسان ها حقوقی دارند که طبیعت، یا به نظر عده ای فطرت الهی به انسان اعطا کرده است. درست همین فرض فلسفی مبنای اعلامیه استقلال ایالات متحده امریکاست." همه مردم برابر آفریده شده اند و آفریدگار شان به آن ها حقوق سلب ناپذیر اعطا کرده است... " اگر عبارات کاملاً دینی این نظریه را به کار ببریم یا نبریم، در هر حال، به معنای آن است که مبنای مفروض حقوق بشر، پدیده های فراملی و برون بشری است. این مفهوم از حقوق بشر حاصل نظریه ای است که گروهی از فیلسوفان اروپایی در قرن هجدهم تدوین کرده بودند (در تمام طول مباحثات در باره ای " اعلامیه جهانی " بار ها از آنان نام برده شده است) این نظریه در زمره نظریه های مسلط مبانی درست حقوق بین المللی قرار داشته است. هر ماه با نظریه ای جدیدتر حقوق " وضعی " دیدگاه بسیار متفاوتی در باره مبانی حقوق بشر پدیدار شد که خواستار آن بود که فقط اعمال و رفتار انسان ها و به تعبیر وسیعتر دولتها، منشاه و تعیین کننده حقوق (و در واقع خود حق) باشند. این دیدگاه نشان دهنده ای پیروزی

عقل باوری بود و اعتقاد داشت که انسان ها همانند دولت به هیچ وجه تحت الزام قوانین برون بشری قرار ندارند، بلکه داوطلبانه و از روی عقل می پذیرند که خود شان رفتارهایشان را محدود سازند تا از بهترین امکانات برای تکامل شخصی یا ملی برخوردار شوند. در نتیجه، با رعایت محدودیتهایی که دولتها برای اعمال خود وضع می کردند، تعیین محدوده و دامنه حقوق بشر و نیز حقوق بین المللی امکان پذیر می شد.

در جریان نظر خواهی های "کمسیون"، این تفاوت اساسی برداشت های فلسفی هنگامی آشکار گشت که مساله گنجاندن یا نگنجاندن استناد به خدا یا طبیعت به مثابه منشا حقوق بیان شده در "اعلامیه" مطرح گشت. هلندی ها طرفدار گنجاندن این استناد بودند و کوشیدند تا در جریان میاچاتات سومین کمیته "کمسیون" پیش نویس "اعلامیه" را به سمت پذیرش همین استناد بکشانند. نماینده هلند، دکتر ی.ه.ه. رواین، در مجمع عمومی به سخنرانی پرداخت و اظهار تاسف کرد که "در اعلامیه به منشا الهی انسان و جاویدانگی روح او اشاره نشده است؛ در واقع سرچشمه تمام این حقوق خود خدای متعال است که مسوولیت بزرگی بر دوش کسانی گذاشته که این حقوق را مطالبه کرده اند. نادیده گرفتن این پیوند، در حکم جدا کردن گیا از ریشه های آن، یا ساختن خانه ای بدون پی است"⁵. اگرچه پیشنهاد هلند، در اصل، از پشتیبانی استوار بعضی از کشورها، به ویژه چند کشور اروپایی برخوردار شد، کشورهای دیگر با آن مخالفت کردند: کشورهای اروپایی که طرفدار نظرگاه حقوق "وضعی" بودند و نیز کشورهای غیر غربی که هرگونه بیان حقوق "طبیعی" را نشانه ارزشهای فرهنگی غرب می دانستند.

دومین سرچشمه ستیزه که از جهاتی حادثتر بود نمایندگان لیبراسیم غربی را در برابر نمایندگان دولتهای مارکسیست قرار داد. این اختلاف دست کم سه عرصه را در بر می گرفت:

1- عرصه فلسفی

2- عرصه تاریخی

⁵ شبستری، محمد مجتهد، نقد برقرآت رسمی از دین، تهران، ناشر طرح نو، چاپ سوم، 1384، ص 215.

3- عرصه عملی

در عرصه فلسفی، برداشت مارکسیستی از حقوق، برپایه جمع استوار شده بود و به چیزی که آن را فردگرایی از خود بیگانه ساز، تقسیم کننده و حاصل لیبرالیسم غربی به حساب می آورد، اعتماد نداشت. دستیابی به رفاه و آسایش اقتصادی، پیش شرط بهره مندی واقعی از حقوق مدنی و سیاسی شمرده می شد و این رده بندی ترجیحات، برخلاف رده بندی ترجیحات لیبرالیسم غربی بود. به علاوه مارکسیست ها اعتقاد داشتند که حقوق بشر فقط در چارچوب نیازها و حقوق جامعه تصورپذیر است؛ برای آنان حقوق بشر صرفاً هنگامی تحقق پذیر می شد که حق دولتها تضمین شده باشد، زیرا خود حقوق بشر را نیز باید دولتها تضمین می کردند. مارکسیست ها پافشاری دولتهای غربی را بر مقدم شمردن حقوق مدنی و سیاسی، چیزی جز دفاع از حقوق "بورژوازی" نمی دانستند، حقوق که در بهترین حالت، مطلوب و خدمت گزار طبقه حاکم بود و در بدترین حالت ممکن بود به مثابه ابزار سرکوب طبقه ای کارگر به کار گرفته شود. مارکسیست ها هم چنین می اندیشیدند که دولت در مقام نماینده جامعه، در کلیت آن، برای تضمین رعایت حقوق بشر و آسایش اقتصادی مسوولیت خاصی برعهده دارد؛ این دیدگاه برخلاف اندیشه ای لیبرالی کلاسیک بود که چنین مسوولیتی را به دیده نوعی دخالت زیانبار برای آزادی می نگریست...⁶.

نباید اندیشد که در مورد ضروری بودن حقوق اقتصادی و اجتماعی فقط میان جامعه های مارکسیستی و جامعه های لیبرالی غربی تفاوت وجود داشت. بسیاری از سوسیالیست های غربی و نمایندگان کشوره های که بعد ها کشورهای جهان سوم خوانده شدند نیز اهمیت بسیار زیادی برای این امر قایل بودند که حقوق اقتصادی و اجتماعی به نحوی در یک اعلامیه گنجانده شود. بسیاری از آن ها اصل فرانکلین روزولت را درباره "آزاد سازی نیازها" پذیرفته بودند. موضوع رسمی ایالات متحد محافظه کارانه تر بود. براساس این موضوع، حقوق اقتصادی و اجتماعی فقط باید در خدمت بیان اهداف و مقاصد باشند؛ این حقوق آرزویی مطلوب هستند اما به هیچ وجه نباید به مثابه حقوق در نظر گرفته شوند که تدابیر حکومتی را ضروری می سازند. موضع دولت های

⁶ همان، ص 216.

مارکسیستی از همه رادیکال تر بود. آن ها حقوق اقتصادی و اجتماعی را از حقوق مدنی و سیاسی برتر می شمردند و حقوق دولت ها را دست کم هم سطح حقوق افراد قرار می دادند. در هر حال، مساله اهمیت دادن به حقوق اقتصادی و اجتماعی و نیز مساله حقوق و مسوولیت های دولت ها، موضوع مباحثات مکرر بسیار از نمایندگان در کمیسیون حقوق بشر و در "سومین کمیته بود و اختلافات و دیدگاه های گوناگون را آشکار می ساخت. از روی این اختلافات می شد پیش بینی کرد که در تمام طول فرایند نگارش دو پیمان نامه اصلی در باره حقوق بشر، و نیز پس از آن، چه تفاوت دیدگاه های مهمی تنور مباحثات را همچنان گرم نگه می دارند.

نگارش "اعلامیه جهانی" تفاوت های فلسفی بزرگی را در مورد محتوای بایسته حقوق بشر آشکار ساخت. با این همه مشخص شد که مسایل مورد بحث در آن دوران و دیدگاه هایی که الهام بخش روایت نهایی "اعلامیه" بودند، در اساس به یک منظومه فلسفی نسبتاً غربی مربوط می شدند. سنت حقوق طبیعی، حقوق وضعی و مارکسیسم همگی ریشه های استواری در سیر تحول فلسفه و حقوق غربی دارند. سنت های فلسفی و حقوق غیر اروپایی که شاید می توانستند خواسته های آرمانی متفاوت یا تکمیلی حقوق بشر را مطرح سازند به ندرت در مذاکرات و مشورت ها مد نظر قرار گرفتند. حتی آن بخش از اعضای کمیسیون حقوق بشر که نمایندگان کشورهای غیر اروپایی را بر عهده داشتند، در اغلب موارد خودشان نیز یا در غرب یا در موسساتی درس خوانده بودند که نمایندگان قدرت های استعماری اروپایی در کشورهای شان ایجاد کرده بودند. اگرچه گاهگاهی به اندیشه های سنت های غیر اروپایی مانند آیین کنفوسیوس یا اسلام ارجاعاتی می شد، ارجاع به دیدگاه های اروپایی بر نظر خواهی هایی که به نگارش "اعلامیه جهانی" انجامیدند، سخت مسلط بود. بدین ترتیب دیدگاه های کشورهای سوم که بعد ها بر سازمان ملل متحد مسلط شدند در جریان نگارش "اعلامیه جهانی" بازتاب چندانی نداشتند. البته بسیاری از دولتهای "جدید" که پس از تصویب "اعلامیه جهانی" در سال 1948 به سازمان ملل پیوستند، این اعلامیه را تصویب کردند و در موارد بسیاری آن را بصورت مرجع در قانون اساسی خود گنجانند. سازمان های منطقه ای متعددی نیز در بیرون از

اروپا "اعلامیه جهانی" را مرجع چندین قطع نامه و معاهده قرار دادند. در هر حال، با توجه به تغییر ترکیب اکثریت در درون سازمان ملل متحد می توان به علل تغییرات تدریجی در برتر شمردن برخی از حقوق در "اعلامیه جهانی" و سخنرانی ها، قطعنامه ها و اعلامیه های بعدی در مورد حقوق بشر پی برد. تغییرات که در این سخنرانی ها، قطعنامه ها و اعلامیه ها در مقایسه با "اعلامیه جهانی" دیده می شود، چه بسا در مواد و متنهای مربوط به حقوق مالکیت نمایان تر از سایر موارد باشد. در بخش دیگری از کتاب اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، تحت عنوان مجادله در باره بعضی از حقوق چنین آمده است:⁷

" علاوه بر تفاوت های مهم که به مناظره عام بر سراعلامیه دامن زدند، محتوا و جمله بندی بسیاری از ماده های خاص نیز اختلافات نظرهایی را موجب شدند. هریک از ماده های اعلامیه مباحثه ای عمیق را در دوران "کمسیون"، "کمیته نگارش" و سومین کمیته برانگیخته است". ماده یکم اعلامیه حقوق بشر در طول فرایند نگارش اعلامیه مسایل را ایجاد کرده بود. از یک سو مساله پی ریزی حقوق بشر برپایه حقوق طبیعی با این پرسش مطرح شده بود که " چه کسی عقل و وجدان را به افراد بشر داده است؟" پس از مناظره ای جدی که در آن پیشنهاد های به ویژه در مورد گنجاندن " از رهگذر طبیعت"، یا استناد های که کما بیش ویژه به خدا عرضه گشت، تصمیم گرفته شد که این مساله را دور بزنند و فقط بر سرشت انسانی عقل و وجدان تاکید ورزند...

هرچند در دوران تصویب "اعلامیه" در "مجمع عمومی ملل متحد"، افراد اندکی می ورزیدند که "اعلامیه" از نظر حقوقی الزام آور و لازم الاجرا است، از آن پس تعداد فزاینده ای به این نتیجه رسیدند که آن را از نظر حقوقی برای تمام دولتها لازم الاجرا بدانند. سه نوع سند در این تحول نقش داشتند. در وهله نخست، بسیاری از دولتهایی که قانون اساسی خود را پس از 1948 نگاشته اند به ویژه دولتهای جدید و تازه استقلال یافته ای که از قید استعمار آزاد شده اند در این قانون ها به "اعلامیه جهانی حقوق بشر" استناد کرده اند. در وهله دوم سازمانهای بین حکومتی محلی که به حقوق بشر اختصاص یافته اند یا ماهیتی عام

تر دارند نیز در اساسنامه های خود به "اعلامیه جهانی" استناد ورزیده یا در قطعنامه های خود آن را تایید کرده اند. و سرانجام خود سازمان ملل متحد و بسیاری از نهادهای تخصصی اش در قطعنامه ها و بیانیه ها خود بارها و بارها به "اعلامیه" استناد جسته اند. جان هامفری خاطر نشان کرد که در واقع، به استثنای اتحادیه افریقای جنوبی، تمام دولتهایی که در 10 دسامبر 1948 رای ممتنع داشته اند سپس به قطعنامه ها و بیانیه های "مجمع عمومی" که دولتها را به رعایت "اعلامیه جهانی" وادار می سازند، رای مثبت داده اند.⁸

بسیاری از حقوقدانان بین المللی بی تردید بیشتر آنان اعتقاد دارند استناد مداوم به "اعلامیه جهانی" در تمام این سطوح بهترین نشانه آن است که "اعلامیه" اکنون به قانون مرسوم بین المللی بدل شده است که از لحاظ حقوقی برای تمام دولتها جنبه الزام آور دارد. البته این که حقوق دانان بین المللی اعلامیه را از لحاظ قانونی الزام آور بدانند بدان معنا نیست که در همه جا به نحوی یکسان رعایت شده باشد یا رعایت بشود. در واقع این نکته جان هامفری درست، و مایه تاسف است که "بدبختانه چندان دلیلی وجود ندارد که بیندیشیم حقوق بشر شاید به استثنای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق مربوط به عدم تبعیض در مورد گروههایی از اشخاص امروزه بیشتر از دوران پیش از 1948 رعایت می شود".

حدودی پنجاه سال پس از آنکه افرادی مانند النور روزولت، پ.س. چانگ، چارلز مالک، رنه کاسن و جان هامفری برای تدوین اعلامیه ای تلاش ورزیده اند که ارزشی جهان گستر داشته باشد و رعایت عام را الزامی سازد، بسیاری از چیزها دگرگون شده اند. جایگاه اکثریت در ملل متحد از کشورهای لیبرال غربی به کشورهای جهان سوم رسیده است. جنگ سرد شدت یافته، سپس آرام شده، دوباره شدت گرفته و بازهم آرام شده است. مبارزان حقوق بشر امروزه در شبکه ارتباطی گسترده ای به هم پیوسته اند که ایجاد جامعه بین المللی حقوق بشر را ممکن ساخته است. از یک سو کار سازمان های غیر حکومتی که محرک و مشوق برنامه ریزان امریکایی سازمانهای بین المللی پس از جنگ بوده اند و از سوی

⁸ همان، صص 218-219.

دیگر کارالنور روزولت در چارچوب ملل متحد و پس از آن، به قرارداد حق بشر در دستور روز مسایل بین المللی یاری رسانده اند. پاداش کوششهای آنها، گسترش باورنکردنی توجه به این مسایل در سرتاسر دنیا بوده است. حقوق بشر امروزه بیش از هر وقت دیگری فعالیت دارد.

اما به رغم این تحول و شاید هم بر اثر همین تحول آنچه را نویسندگان و تصویب کنندگان اعلامیه جهانی تحقق بخشیده اند هنوز هم بسیار چشمگیر جلوه می کند. در حالی که مردم هنوز تازه سر از جنگ بر می آورند، جنگ سرد آغاز می شد و تجربه ملل متحد، به ویژه در عرصه اقتصادی و اجتماعی، گامهای اول خود را می پیمود، آنان درست در طول سی ماه نتوانستند متنی را تدوین کنند و بر سر آن به توافق برسند که اختلافهای زبانها، ملیتها و فرهنگها را البته نه به تمامی بلکه در حدی پشت سر می گذاشت که تا آن هنگام در مناسبات بین المللی بی سابقه بود. برای پی بردن به اهمیت کار آنان می توان لحظه ای به این نکته اندیشید که برای دست یابی به توافق درباره پیمان های بین المللی "ملل متحد" در مورد حقوق بشر، هجده سال دیگر لازم بود و بایستی یازده سال دیگر نیز بگذرد تا پس از امضای دولتهایی که این پیمان را تصویب نکرده بودند، آنها قابلیت اجرایی پیدا کنند. بگذریم از این که امروزه نیز، هنوز بیش از چهل سال پس از تصویب "اعلامیه" بعضی از کشورهای مهم، از جمله ایالات متحده، همچنان از امضای این پیمان خود داری می ورزند. کار روی تدابیر اجرایی، در قالب "ملل متحد" حالتی بسیار پراکنده و کم تاثیر داشته و فقط در بعضی از چارچوبهای منطقه ای کمی موثر تر بوده است.

تاریخچه "اعلامیه جهانی" نتایج چندی در بر دارد. از یک سو تلاش کسانی که در این کار شرکت کرده اند، نمونه ای استثنایی از همکاری بین المللی است. آنان به رغم تفاوتهای فرهنگی و شخصی شان، در جریان کاری مشترک به نگارش، پردازش و بازنویسی همه پیش نویسها پرداخته اند، برای هماهنگ ساختن دیدگاههای متفاوت زبان را صیقل داده یا اصلاح کرده اند و در پرتو نگرشهای متفاوت با خودشان، به بررسی مفاهیم و فرهنگهای خاص خویش دست زده اند. آنان همگی نویسنده "اعلامیه" و یکایکشان شخصیتهایی برجسته بودند. اما النور روزولت چه بسا از بسیاری

جهات از همه چشمگیرتر بود. در واقع از او کمتر از همه انتظار داشتند، زیرا نه فیلسوف بود و نه حقوقدان. با این همه برای چنین کاری دو خصوصیت ضروری داشت که در هیچ کس دیگری یافت نمی شدند و به احتمال زیاد برای توفیق کار در مورد "اعلامیه" ضروری بودند جایگاه والای بین المللی در محفل های سیاسی و نیز در محفل های انسان دوستانه که به کار "کمسیون حقوق بشر" با فعالیت های دولت خود، جایگاه و استعدادی که بدون آن ها تدوین و تصویب "اعلامیه" بی هیچ تردیدی به تعویق می افتاد یا ناممکن می شد. در حالی که اعتبار حقوقی "اعلامیه" پیوسته بیشتر می شود، انواع نقض حقوق بشر توسط دولت ها که هر روزه وسایل پیچیده تری را برای مراقبت از افراد و شکنجه آنها به کار می برد هم چنان نفرت و بیزاری کسانی را بر می انگیزد که با نظرگاه النور روزولتو تمام نویسندگان "اعلامیه جهانی" درباره جهانی آزادتر و همبسته تر موافق هستند. النور روزولت بی تردید راهگشا بود و نشان داده که چگونه "اعلامیه" ممکن است بیشترین تاثیر را داشته باشد: او عادت داشت خطاب به مجامعی که در آنها شرکت می کرد بگوید که جستجوی حقوق بشر در مجموع باید نزد هرکس، در هر روستا، هر شهر، و همه جای دنیا آغاز شود، زیرا فقط در پرتو تلاشهای یکایک افراد است که حقوق بشر سر انجام ممکن است به تمامی محافظت شود⁹.

در بخشی از کتاب اعلامیه جهانی حقوق بشر نگاشته گلسن جانسو تحت عنوان "چگونه می توان حقوق مندرج در اعلامیه را تضمین کرد؟" چنین می خوانیم:

"کمیته نگارش" در واقع وظیفه داشت که اعلامیه جهانی حقوق بشر را بنویسد، اما همچنین به گفته رنه کاسن بایستی وسایل عملی رعایت آن را زیر نظارت جامعه ملل متحد و برفراز حاکمیت های مرگبار قدیمی فراهم آورد.

این مساله در همان نخستین جلسات "کمیته نگارش اعلامیه جهانی" مطرح شد.

در این جا خلاصه مهمترین نکات مطرح شده در این مباحثات را می آوریم. "اعلامیه حقوق و آزادیهای اساسی" به خودی خود

⁹ همان، ص 220.

اهمیت اخلاقی چشمگیری دارد، اما در صورتی موثر و کارساز می گردد که:

- در معاهده ای که به مثابه قانون بین المللی به رسمیت شناخته شده، گنجانده شود؛

- امضا کنندگان این معاهده بپذیرند که این حقوق در دادگاههای کشورهایشان لازم الاجرا باشند؛

- در میان عوامل ممکن بازدارنده از هرگونه نقض این معاهده، نوعی نظارت عمومی و بین المللی برقرار شود که با ساخت کارهای زیر تکمیل گردد:

فرستادن دادخواست به "ملل متحد"، ایجاد نهادی برای بررسی شکایتهای مربوط به این نقضها، مباحثات در "مجمع عمومی"؛

- دادگاه بین المللی حقوق بشر ایجاد شود؛

- تمام دولتهایی را که بر این نقضها پافشاری ورزند، بتوان از "ملل متحد" اخراج کرد¹⁰.

گفتار سوم - قرارداد های تخصصی

از دیگر مقررات و قوانین حقوق بشری می توان به معاهدات تخصصی اشاره نمود که صرفا روی یک موضوع ویژه مانند شکنجه یا آپارتاید و از این قبیل متمرکز شده اند این دسته از معاهدات عبارتند از:

1. کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی مشهور به کنوانسیون ژنو ساید که در دوازدهم ژانویه سال 1951 قدرت اجرایی یافت. این کنوانسیون طی قطعنامه نهم دسامبر 1948 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. دارای 19 ماده و ناظر بر اعلام جرم برای ارتکاب به نسل کشی و کشتار دسته جمعی است که تاکنون بیش از 130 کشور به آن پیوسته اند. 2. کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض نژادی مشهور به کنوانسیون نژادی که در چهارم ژانویه سال 1969 قدرت اجرایی یافت. این کنوانسیون طی قطعنامه بیست و یکم دسامبر 1965 به

¹⁰ همان، صص 221-222.

تصویب عمومی سازمان ملل متحد رسید. دارای 25 ماده و ناظر به رفع هرگونه تبعیض نژادی بوده و مساله نژاد و برتری نژادی را یک خطر جدی برای صلح و امنیت بین المللی بر می شمارد و تا کنون 161 کشور در آن مشارکت کرده اند¹¹.

3. کنوانسیون بین المللی محو و مجازات جرم نژاد پرستی مشهور به کنوانسیون آپارتاید که در سال 1976 قدرت اجرایی یافت. این کنوانسیون طی قطعنامه سی نوامبر 1973 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. دارای 19 ماده و ناظر به محکومیت آپارتاید و این که اعمال نژاد پرستانه موجب تهدید جدی به صلح و امنیت بین المللی خواهد بود.

4 کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار های یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده مشهور به کنوانسیون شکنجه که در سال 1987 قدرت اجرایی یافت. این کنوانسیون طی قطعنامه ده دسامبر 1984 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. دارای 33 ماده و ناظر بر ممنوعیت شکنجه و هر گونه مجازات های غیر انسانی است. تا کنون 128 کشور این کنوانسیون را تصویب نموده اند. 5. کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض نسبت به زنان مشهور به کنوانسیون زنان که در سال 1981 قدرت اجرایی یافت. این کنوانسیون طی قطعنامه هجده دسامبر 1979 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و دارای 30 ماده ناظر بر برابری حقوق زنان و مردان و محو هر گونه تبعیض نسبت به زنان است و تا کنون 168 کشور آنرا تصویب کرده اند.

6. کنوانسیون حقوق کودک مشهور به کنوانسیون کودک که در سال 1990 قدرت اجرایی یافت. این کنوانسیون طی قطعنامه بیست نوامبر 1989 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. دارای 54 ماده و ناظر بر رعایت حقوق کودکان که منظور افراد زیر هجده سال است می باشد، این کنوانسیون به تصویب 191 کشور رسیده است که در واقع تعداد کشور های تصویب کننده این

¹¹ ذاکریان، دکتر مهدی، پیشین، ص 99.

کنوانسیون از تعداد کشور های عضو سازمان ملل متحد بیشتر است.

7. کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر که تا کنون قدرت اجرایی نیافته است. این کنوانسیون طی قطعنامه هجده دسامبر 1990 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. دارای 93 ماده و ناظر بر رعایت حقوق کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده هایشان بدون تبعیض نسبت به دیگران است. تا کنون 19 کشور این کنوانسیون را تصویب نموده اند. تعداد کشورهایی که به کنوانسیون های اشاره شده فوق پیوستند. تعداد کشور ها در تصویب کنوانسیون ها بیانگر اقبال و توجه آنها به حقوق بشر است¹².

مبحث دوم- ضمانت اجرایی و حمایت عملی از حقوق بشر

با توجه به این که تحولات بین المللی سبب اهمیت سازمان ملل متحد در هزاره جدید شده است و توجه به نقش سازمان ملل افزایش یافته است؛ به ویژه افزایش تعداد کشور های عضو سازمان و به نسبت آن تعداد کشورهایی که کنوانسیون های حقوق بشر را تصویب

¹² همان، ص 100.

نموده اند نشان دهنده اعتماد کشور ها به سازمان ملل متحد به عنوان عامل اجرایی حقوق بشر در حمایت از حقوق بشر نقش بیشتری بدست آورده است. این نقش عبارت است از حمایت از حقوق بشر از طریق سازوکار های قراردادی مانند میثاق و معاهده های بین المللی و... سازوکار های غیر قراردادی مانند قطعنامه ها و تصمیمات ارکان سازمان ملل متحد، از قبیل مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی، اجتماعی و... .

گفتار نخست- سازوکارهای قراردادی

در سازوکار قراردادی حمایت از حقوق بشر، سازمان ملل متحد، شش کمیته برای حمایت از حقوق بشر در موضوع های خاص و مشخص، دارای صلاحیت هستند¹³:

الف- کمیته نظارت بر اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

شورای اقتصادی و اجتماعی با قطعنامه شماره 1985/87 مورخ 28 مه 1985 نام گروه کاری که شورای اقتصادی و اجتماعی با تصمیم شماره 1978/10 مورخ سوم مه 1978 را ایجاد کرد به «کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» تغیر داد و تایید کرد که کمیته مذکور مرکب از 18 عضو است که بر اساس صلاحیت شخصی انتخاب می شوند و دارای صلاحیت تایید شده ای در زمینه حقوق بشر می باشند. این افراد برای یک دوره چهار ساله و با رای مخفی شورای اقتصادی و اجتماعی و از میان افراد نامزد شده از سوی کشور های طرف میثاق انتخاب میشوند و مامور بررسی گزارش کشور ها پیرامون مفاد میثاق هستند. کشور های عضو میثاق متعهد به رعایت مفاد میثاق و گزارش در باره چگونگی رعایت و انجام این مفاد به کمیته اشاره شده فوق هستند. در واقع این کمیته یک عامل کنترل است تا کشور های عضو میثاق، سعی خویش را در رعایت مفاد میثاق به کار گیرند¹⁴.

ب- کمیته حقوق بشر

¹³ موسوی فر، رضیه، پیشین، ص 56.
¹⁴ ذاکریان، دکتر مهدی، پیشین، ص 104.

مطابق ماده 28 میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کمیته ای به نام کمیته حقوق بشر مرکب از 18 عضو از اتباع دولت های طرف میثاق تشکیل می شود. انتخاب اعضای کمیته بر اساس صلاحیت شخصی، تجربه و اطلاع آنان در زمینه حقوق بشر و ترجیحاً داشتن تجربه های قضایی است. اعضای کمیته با رای مخفی از فهرست اشخاص واجد شرایطی که از سوی دولت های طرف میثاق نامزد شده اند در جلسه که به دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد از دولت های عضو به عمل می آورد در مقر سازمان ملل متحد تشکیل و انتخاب می شوند. وظایف کمیته به شرح مواد 40 تا 45 میثاق عبارتند از:

- مطالعه گزارش ها در خصوص اقدامات موثری که دولت ها برای اجرای حقوق شناخته شده به کار می گیرند.

- ارسال گزارش های کمیته و هر گونه ملاحظاتی که کمیته لازم بداند به کشورهای طرف میثاق.
- حل و فصل انتخابات ناشی از عدم رعایت تعهدات نسبت به میثاق.

همچنین کشور هایی که نخستین پروتکل اختیاری حقوق مدنی و سیاسی را پذیرفته اند، صلاحیت کمیته را برای بررسی شکایت افراد پذیرفته اند و افراد حق ارسال شکایت به کمیته حقوق بشر را دارند. بنابر این کمیته با دارا بودن چنین صلاحیت، عملاً از نقش موثری در حمایت از حقوق بشر برخوردار است¹⁵.

ج- کمیته محو هر نوع تبعیض نژادی

کمیته رفع تبعیضات نژادی با توجه به ماده 8 مقاوله نامه بین المللی الغای کلیه اشکال تبعیض نژادی بوجود آمد. این کمیته مرکب از هجده نفر کار شناس واجد صفات عالی اخلاقی و بی طرفی است که من باب اهلیت و قابلیت شخصی انجام وظیفه خواهند نمود و از طرف دول عاقد با توجه به لزوم توزیع عادلانه جغرافیایی و با در نظر گرفتن اشکال مختلف تمدن و سیستم های عمده قضایی انتخاب می شوند. در ماده 9-1 کنوانسیون مذکور آمده است: دولت های عضو متعهد می شوند گزارشی در باره اقدامات قانونی و قضایی و دارای و غیره که منظور اجرای مقررات و مفاد این

قرارداد معمول داشته اند در موارد زیر به دبیرکل تسلیم نمایند که مورد مطالعه و بررسی کمیته قرار گیرد:

1- ظرف یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن قرارداد در مورد هریک از دولت ها

2- متعاقباً هر دو سال یکبار به اضافه هر زمانی که کمیته مقتضی بداند، می تواند از دولتهای عضو این میثاق تقاضای اطلاعات تکمیلی نماید. کمیته هر سال گزارش اقدامات و فعالیت های خود را توسط دبیر کل به مجمع عمومی تسلیم می کند و میتواند بر اساس مطالعه و بررسی گزارش ها و اطلاعات واصله از دولت های عضو، پیشنهاد ها و توصیه هایی که دارای جنبه های عمومی است بنماید.¹⁶

د- کمیته مقابله با شکنجه:

این کمیته مرکب از ده کارشناس عالی رتبه و برخوردار از سطح بالای اخلاقی و شایستگی در زمینه حقوق بشر است که با صلاحیت شخصی خود انجام وظیفه نمایند، نه به عنوان نماینده دولت خویش. وظایف کمیته به منظور اجرای مقررات کنوانسیون عبارت است از بررسی گزارش های دوره ای دولتهای پیرامون اقدامات شان در زمینه عملی ساختن مفاد کنوانسیون و بررسی اطلاعات ارسالی در مورد وجود شکنجه و نهایتاً بررسی شکایات یک دولت عضو علیه دولت دیگر به خطر عدم رعایت مقررات کنوانسیون. بنابر این صلاحیت کمیته مقابله با شکنجه در چند بعد عملی می شود¹⁷:

- صلاحیت بررسی گزارش های دوره ای دولتها و درخواست اطلاعات تکمیلی و انجام پرسش،

- صلاحیت بررسی اخبار و اطلاعات رسیده در مورد شکنجه در کشورها بویژه از طرف سازمان های بین المللی غیر دولتی،

- صلاحیت بررسی شکایات یک دولت عضو کنوانسیون علیه دیگر دولت عضو مبنی بر نقض مفاد کنوانسیون،

¹⁶ همان، ص 105.

¹⁷ همان، ص 105.

- صلاحیت بررسی شکایات افراد شکنجه شده از دولت های عضو در کنوانسیون،

- و در نهایت صلاحیت رایه پیشنهاد، رایه تصمیم و رایه گزارش به مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

ه- کمیته مقابله با تبعیض علیه زنان:

مطابق ماده 17 کنوانسیون، به منظور بررسی پیشرفت های بدست آمده در اجرای کنوانسیون، کمیته مقابله با تبعیض علیه زنان ایجاد میشود. این کمیته مسوول بررسی گزارش های دولت های عضو کنوانسیون در مورد مفاد کنوانسیون است کمیته سالانه گزارشی را تنظیم می نماید و به شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم میکند که از آن طریق به مجمع عمومی سازمان ملل متحد رایه میگردد. این کمیته نیز همانند دیگر کمیته های حقوق بشری سازمان ملل به بررسی گزارش های دولت ها پرداخته و در این زمینه می تواند به بحث و بررسی پرداخته و تقاضای اطلاعات بیشتر نموده و در پایان تصمیم خویش را به دولت مورد نظر اعلام نماید¹⁸.

و- کمیته حقوق کودک:

پیرو ماده 43 کنوانسیون حقوق کودک، کمیته حقوق کودک با ده کارشناس عالی رتبه و دارای صلاحیت بالای اخلاقی و آشنا با مسایل مربوط به کنوانسیون ایجاد می شود تا به بررسی پیشرفت کشورهای عضو کنوانسیون پیرامون اجرای مفاد کنوانسیون بپردازد. این کمیته نیز همانند دیگر کمیته ها صلاحیت بررسی گزارش کشور ها در مورد چگونگی اجرای مفاد کنوانسیون را دارا است و نهایتاً کمیته تصمیم خویش را به اطلاع دولت مربوطه می رساند. کمیته هر دو سال یک گزارش از فعالیت های انجام داده شده را به شورای اقتصادی و اجتماعی رایه می کند تا بدین وسیله تقدیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد گردد. در مجمع، به برخی از کمیته های نام برده شده شکایت های متعددی ارسال گردیده است. از جمله این کمیته ها که صلاحیت بررسی شکایات افراد را دارا هستند عبارتند از:

1. کمیته حقوق بشر که به بررسی شکایات اتباع کشورهای می پردازد که نخستین پروتکل اختیاری حقوق مدنی و سیاسی را پذیرفته باشند¹⁹.

2. کمیته محو هر نوع تبعیض نژادی نسبت به رسیدگی شکایات اتباع دولت های عضو کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض نژادی به شرط پذیرش صلاحیت کمیته طی اعلامیه قبلی از طرف دولت عضو کنوانسیون، کمیته دارای صلاحیت است.

3. کمیته مقابله با شکنجه که صلاحیت بررسی افراد شکنجه شده از دولت های عضو کنوانسیون را به شرط قبول صلاحیت کمیته با اعلامیه قبلی دولت عضو دارا است.

گفتار دوم- سازوکار های غیر قراردادی

سازوکاری های غیر قراردادی حمایت از حقوق بشر سازمان ملل متحد عبارت است از فرآیندهایی که در داخل سازمان ملل متحد بوجود آمده است. و به ارگانهای رسمی سازمان ملل متحد اجازه بررسی تجاوز به حقوق بشر و نقض اصول حقوق بشر را خارج از کادر کنوانسیون ها می دهد. این روند طی قطعنامه های 1235 و 1503 شورای اقتصادی و اجتماعی با عنوان سازوکار های غیر قراردادی حمایت از حقوق بشر شهرت یافته اند. رویه ناشی از قطعنامه 1235 به کمیسیون حقوق بشر این امکان را میدهد تا هرگونه وضعیت مربوط به نقض وسیع حقوق بشر را مورد بررسی قرار دهد. گروه های کاری و سیستم گزارش دهی ویژه در مورد موضوعات خاص و در مورد کشور ها که در سالهای اخیر از سوی کمیسیون حقوق بشر انجام میشود و توسعه یافته است، مشروعیت خود را از همین قطعنامه می گیرند.

قطعنامه مهمتر دیگری که به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی رسیده است قطعنامه 1503 است که به افراد امکان مکاتبه با سازمان ملل متحد در مورد نقض وسیع، آشکار و مستمر حقوق بشر را میدهد. این قطعنامه در واقع امکان رسیدگی و بررسی مراسلات مربوط به نقض مستمر و گسترده حقوق بشر و آزادی های اساسی

را به کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت ها می دهد²⁰.

مبحث سوم- دستاورد های مهم سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر

26 ژون 1945 امضای منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، در سانفرانسیسکو.

²⁰ همان، ص 107.

21 ژون 1946 تاسیس کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون مقام زن توسط شورای اقتصادی و اجتماعی و 9 دسامبر 1948 تصویب کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت کشتار جمعی (ژنو ساید) توسط مجمع عمومی (ورود به مرحله لازم الاجرائی در سال 1951)

10 دسامبر 1948 تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی. 12 اوت 1949 کنفرانس دیپلماتیک برای انعقاد کنوانسیون های بین المللی حمایت از قربانیان جنگ، تصویب چهار کنوانسیون ژنو در باره بهبود شرایط زخمی ها و بیماران نیروهای مسلح در زمین و دریا، رفتار با اسرا و حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ (ورود به مرحله لازم الاجرائی در سال 1950) 20 نوامبر 1959 تصویب اعلامیه حقوق کودک توسط مجمع عمومی²¹.

21 دسامبر 1965 تصویب کنوانسیون بین المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی توسط مجمع عمومی (ورود به مرحله لازم الاجرائی در سال 1969). این کنوانسیون تاسیس کمیته امحای تبعیض نژادی را پیش بینی نمود. 16 دسامبر 1966 تصویب میثاق بین المللی حقوق کودک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ورود به مرحله لازم الاجرائی در سه ژانویه 1976) و نیز کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی همراه با پروتکل اختیاری آن توسط مجمع عمومی (ورود به مرحله لازم الاجرائی در 23 مارچ 1976) این میثاق تاسیس کمیته حقوق بشر را مقرر می نماید.

9 ژون 1967 تصویت قطعنامه (42) 1235 توسط شورای اقتصادی و اجتماعی و اجازه به کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت اقلیت ها که اطلاعات مربوط به نقض جدی حقوق بشر را و آزادی های اساسی را بررسی کنند. 7 نوامبر 1967 تصویب اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان توسط مجمع عمومی. 13 مه 1968 تصویب اعلامیه تهران توسط کنفرانس بین المللی حقوق بشر. 26 نوامبر 1968 تصویب کنوانسیون عدم امکان کاربرد قاعده مرور زمان برای جنایات جنگی علیه بشریت توسط مجمع عمومی (ورود به مرحله لازم الاجرائی در سال 1970). 11 دسامبر 1969 تصویب

²¹ موسوی فر، رضیه، پیشین، ص 63.

اعلامیه پیشرفت و توسعه اجتماعی توسط مجمع عمومی²².
30 نوامبر 1973 تصویب کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید توسط مجمع عمومی (ورود به مرحله لازم الاجرائی در سال 1976).

9 دسامبر 1975 تصویب اعلامیه حمایت از کلیه افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز توسط مجمع عمومی²³.

23 مارچ 1976 با ورود میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ده سال پس از افتتاح آنها برای امضا دولت ها به مرحله لازم الاجرائی (به 16 دسامبر 1966 توجه کنید)، لایحه بین المللی حقوق بشر به واقعیت میپیوندند. 18 دسامبر 1979 تصویب کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان توسط مجمع عمومی (ورود به مرحله لازم الاجرائی در سال 1981). این کنوانسیون تاسیس کمیته رفع تبعیض علیه زنان را مقرر می نماید. 25 نوامبر 1981 تصویب اعلامیه حذف کلیه اشکال نابردباری و تبعیض بر پایه مذهب و عقیده توسط مجمع عمومی. 10 دسامبر 1984 تصویب کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز توسط مجمع عمومی (ورود به مرحله لازم الاجرائی در سال 1987). این کنوانسیون تاسیس کمیته منع شکنجه را مقرر می نماید. 28 مه 1985 تاسیس کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که مسوول نظارت بر اجرای میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است توسط شورای اقتصادی و اجتماعی²⁴.

4 دسامبر 1986 تصویب اعلامیه حق توسعه توسط مجمع عمومی.

9 دسامبر 1988 تصویب مجموعه اصول حمایت از کلیه افراد تحت هرگونه بازداشت و زندان توسط مجمع عمومی. 24 مه 1989 تصویب اصول پیشگیری موثر و تحقیقات در باره اعدام های خارج از رویه قانونی، خودسرانه و به دنبال محکومات اختصاری توسط

²² همان، ص 63.

²³ همان، ص 64.

²⁴ همان، ص 66.

شورای اقتصادی و اجتماعی.

20 نوامبر 1989 تصویب کنوانسیون حقوق کودک توسط مجمع عمومی (ورود به مرحله لازم الاجرائی در سال 1990). این کنوانسیون تاسیس کمیته حقوق کودک را مقرر می نماید.

18 دسامبر 1990 تصویب کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنان توسط مجمع عمومی.

18 دسامبر 1992 تصویب اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی توسط مجمع عمومی. 25 مه 1993 تصویب قطعنامه (1993) 827 و دیوان کیفری بین المللی برای پیگرد افراد مسوول نقض جدی حقوق بین المللی بشر دوستانه در قلمرو یوگسلاوی سابق از سال 1991 توسط شورای امنیت که مقرر آن در لاهه هلند تعیین میگردد. 25 ژون 1993 تصویب اعلامیه و برنامه اقدام وین توسط کنفرانس جهانی حقوق بشر.

20 دسامبر 1993 تصویب قطعنامه 48/141 توسط مجمع عمومی که موجب شد تا پست کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر ایجاد شود²⁵.

21 دسامبر 1993 اعلام دهه (1994-2004) بین المللی مردم بومی جهان توسط مجمع عمومی²⁶.

14 فوریه 1994 اعلام سومین دهه (1993-2003) مبارزه با نژاد پرستی و تبعیض نژادی، توسط مجمع عمومی. 5 آوریل 1994 تعیین آقای خوزه آیالاسو از اکوادور به عنوان اولین کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر 8 نوامبر 1994 تصویب قطعنامه (1994) 995 و تاسیس دیوان کیفری بین المللی برای پیگرد افراد مسوول کشتار جمعی و سایر جنایات جدی علیه حقوق بین المللی بشر دوستانه در روندا در سال 1994 توسط شورای امنیت که مقرر آن در آروشا، تانزانیا می باشد 23 دسامبر 1994 اعلام دهه (1994-2004) 1995 سازمان ملل برای آموزش حقوق بشر، توسط مجمع عمومی. 26 ژانویه 1996 اعلام دهه (1997-2006) سازمان ملل برای ریشه کنی فقر، توسط مجمع عمومی. 12 سپتامبر 1997 تعیین خانم مری رابینسون از ایرلند به عنوان دومین کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر. 17 ژویه 1998 تصویب اساسنامه رم برای دیوان

²⁵ همان، ص 64.

²⁶ همان، ص 67.

کیف‌ری بین المللی را و تاسیس دیوان مزبور که مقر آن در لاهه است، توسط کنفرانس دیپلماتیک متشکل از نمایندگان تام الاختیار دولت ها. 19 نوامبر 1998 اعلام دهه (2001-2010) بین المللی فرهنگ صلح و عدم خشونت برای کودکان جهان توسط مجمع عمومی. 22 مارس 2001 اعلام دومین دهه (2001-2010) بین المللی ریشه کنی استعمار، توسط مجمع عمومی. 31 آگوست الی 7 سپتامبر 2001 برگزاری کنفرانس جهانی علیه نژاد پرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و عدم بردباری های مریوطه در کشور آفریقای جنوبی. 12 سپتامبر 2002 تعیین آقای سرجی یو وی یرا دوملو از برزیل به عنوان سومین کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر. 8 سپتامبر 2003 اعلام دهه (2003-2012) سواد آموزی سازمان ملل متحد، توسط یونسکو²⁷.